

آرزویی برای سازنده لامینور

هنوز فرصت نکرده‌ام آخرین اثر سینمایی [داریوش مهرجویی](#) را تماشا کنم. با این حساب قصدم گفتن درباره کیفیت این فیلم نیست. بنا هم ندارم به تماشای آن دعوت‌تان کنم. می‌ترسم مثل یکی از دوستان وقتی از تماشای فیلم برمی‌گردید، حال خوشی نداشته باشید. قصدم آرزوی ساخت فیلم‌های دیگری توسط فیلمسازی است که با بعضی از فیلم‌هایی که ساخته (گاو، پستیچی، دایره مینا، هامون، لایلا، اجاره‌نشین‌ها، آقای هالو، [مهمان مامان](#)، سنتوری و...) تاریخ سینمای ایران را پر و پیمان‌تر کرده است. فیلم‌هایی که هر کدامش نشان از تیزهوشی، درک بالا، شناخت امکانات سینما و خلاقیت سازنده‌اش دارد.

برایم مهم نیست که فیلم‌هایی که می‌سازد در قد و قواره فیلم‌های قبلی‌اش نیست. نه که دوست ندارم مهرجویی فیلم‌های درجه یک دیگری بسازد! دوست دارم! خیلی هم دوست دارم.

هم به خاطر خودش، هم به خاطر سینما و علاقه‌مندان پر و پاقرصش. منظورم علاقه‌مندانی است که در انتظار افتادن بزرگان از اسب هنر، سیاست، ورزش، فرهنگ و... نیستند. بزرگ شدن خودشان را در کوچک شدن دیگران نمی‌بینند. نقدی اگر می‌نویسند حکم صادر نمی‌کنند که بهتر است داریوش مهرجویی دیگر فیلم نسازد. خودشان را پیشگویانی برتر نمی‌دانند که مطمئن هستند فیلم بعدی فیلمسازی خوب نیست و به درد تاریخ سینما نمی‌خورد. [تاریخ سینما](#) را درست دیده‌اند و می‌دانند برسون، بونوئل، برگمن، انتونیونی و... خیلی‌های دیگر در کهنسالی هم فیلم‌های خوبی ساختند. می‌دانند کارنامه هنری هنرمندان همیشه سیر صعودی ندارد. قرار هم نیست هر فیلمی از فیلمساز سرشناسی درجه یک باشد.

گاهی فیلم اول بهترین فیلم فیلمساز است (همشهری کین) گاه شاهکار فیلمسازی در میانه عمرش است و گاه در پایان عمرش! البته همان‌طور که نوشتم به عنوان یک علاقه‌مند سینما، به خاطر ساخت یک فیلم خوب دیگر منتظر فیلم‌های بعدی مهرجویی نیستم. برایم همین کافی است که او در خانه سالمندان زمین‌گیر نیست و می‌تواند کنار دوربین قرار بگیرد و فرمان بدهد حرکت.

****حسن لطفی / نویسنده و منتقد سینما**